



مرتضوی بهانه و کینه‌ورزی نشانه است!

● **محمدصادق قفقوری**؛ پروپاگاندای دو روز گذشته درباره سعید مرتضوی، یک انتقام‌گیری ناشیانه بود... . قاعدا مرتضوی باید اکنون در زندان باشد، اما چون نیست بهانه به دست کینه‌ورزان قدیمی داده است! ... روزنامه‌ها و نشریات خرداد، جامعه، توس، اعتماد ملی و شهروند امروز رسانه‌هایی بودند که خط فتنه دهه ۷۰ را پیگیری می‌کردند و مرتضوی طبق قانون با آنها برخورد کرد؛ بعضی‌ها را توقیف، برخی را لغو مجوز و چند مورد را هم توقیف موقت کرد. حالا تیم رسانه‌ای-حزبی همان نشریات توقیف‌شده بر مسند اموزند، روزنامه‌ها دارند کانال‌ها و صفحه‌های فراوان مجازی را مدیریت می‌کنند. کینه شتری ۲۰ ساله کارگزار- اصلاح‌طلب از مرتضوی دلیل قانع‌کننده‌ای است که حالا همه ظرفیت‌های خود را به خط کنند تا روند غیرمعمول معرفی‌نشدن وی به زندان را، بحرانی بنمایانند و ترند کنند... . بخش دیگری از دوره کاری مرتضوی در دهه ۷۰ و اوایل ۸۰ مربوط به مقابله با ضدانقلاب تابلودار، جاسوس‌های در سایه و براندازان آموزش‌دیده بود. زهرا کاظمی، جاسوس کانادایی، یکی از این موارد است. مرگ کاظمی جاسوس، منسوب به دادستان سال ۸۲ تهران شده است؛ آن هم کسی؟! وقتی مرتضوی به‌عنوان متهم کهریزک چند سال اخیر در دادگاه حضور می‌یافت. هرچند همان سال ۸۲ زمزمه‌هایی مبنی بر دخالت مرتضوی در مرگ کاظمی شنیده شد، اما هیچ سندی برای آن ارائه نشد... البته اگر مرتضوی در آن پرونده هم قانونا مقصر و محکوم می‌شد، همانند پرونده کهریزک باید مجازات می‌شد... . قلمفرسایی نگارنده برای دفاع از یک مجرم دور از منطق، اخلاق و قانون است. سعید مرتضوی هم‌اکنون نه دادستان تهران که یک مجرم است. بازآبادآوری اقدامات دهه ۷۰ و ۸۰ مرتضوی، دفاع از یک مجرم نیست، دفاع از اقدامات قانونی یک مسئول آن زمان و البته برای بیشتر عیان‌کردن نفاق رسانه‌ای زنجیره‌ای‌ها لازم و ضروری است.

پیش‌تاریخ

افشاگری با شفافیت؟

● **بهاره آروین**؛ در جامعه ما، عدم تمایزبخشی میان افشاگری و شفافیت در ادبیات مبارزه با فساد، منشا زاین‌های بسیار بوده است... افشاگری با آشکارکردن مودی نمونه‌هایی از فساد و تخلف، در بهترین حالت توجه دستگاه‌های نظارتی و قضایی را به خود جلب کرده تا با متخلف برخورد قانونی صورت گیرد. این درحالی است که در اغلب موارد، این نوع افشاگری‌های موردی، تأثیر کمی بر بازدارندگی و جلوگیری از تکرار موارد مشابه دارد؛ چراکه در افشاگری بیش از آنکه علت رخداد تخلف و فساد ریشه‌یابی شود، صرفاً یکی از نمونه‌هایی که معلول یک وضعیت بوده است، پرنک می‌شود. چنین افشاگری‌های موردی با بی‌توجهی به وجهی علت شفافیت‌های موردی ندارد و فساد را مستقیماً تغییر رویه‌ها و فرآیندهای شکل‌دهنده، در اغلب موارد به پیچیده‌تر و پنهان‌ترشدن فرآیند فسادزا می‌انجامد؛ به‌گونه‌ای که کشف و آشکارکردن مورد فساد و تخلف مثل قبل امکان‌پذیر نباشد. این در حالی است که تلاش برای تحقق شفافیت، تلاشی برای اصلاح رویه‌ها و روندهای فسادزااست که هدف اصلی‌اش پیشگیری از تحقق فساد است، نه کشف و افشای موردی فساد... . افشاگری معمولاً با تخریب اعتماد عمومی و فرسایش سرمایه اجتماعی جامعه همراه است؛ چراکه مردم گمان می‌کنند این یک مورد افشاشده تنها یک نمونه از هزاران مورد افشاشده است و به‌همین‌دلیل هرچه میزان افشاگری در مورد تخلف و فساد مسئولان افزایش یابد، اعتماد عمومی در جامعه کاهش می‌یابد. این در حالی است که تحقق شفافیت در فرآیندها با افزایش اعتماد به نهادهای عمومی همراه است. افشاگری سکه رایج این روزهای جامعه ماست. میراث شومی که از رئیس دولت‌های نهم و دهم به یادگار مانده و هر روز بیش‌ازپیش در میان سیاست‌مداران از هر دو طیف اصلاح‌طلب و اصولگرا رونق یافته است.

شهرزد

روحانی سفت و سخت جلوی فیلتر تلگرام ایستاده

● در گفت‌وگو با حاجی‌دلگانی، نماینده اصولگرای مردم شاهین‌شهر؛ ماجرا از این قرار است که آقای رئیس‌جمهوری به خاطر مخالفت اکید با فیلترینگ تلگرام به دستگاه‌های ذی‌ربط فشار می‌آورد تا جایی‌که حتی به وزیر ارتباطات خود دستور داده که خیلی در این حوزه ورود نکند!

تازان

گریزنجنگان

● گزارش‌ی با موضوع خروج گاه مدنی از کشور: ... به نظر می‌رسد برخی جریان‌های خاص در ایران تلاش دارند تا اجازه ندهند نجنگان ایرانی در سراسر دنیا برای بهبود وضعیت این کشور به میهن خود بازگردند. شاید دولت و مسئولان نیز در این میان توان لازم را برای ایستادن در مقابل این اقدام نامبارک نداشتند...

politics@sharghdaily.ir

سیاست

نقدی بر پوپولیسم موعودگرا

احمدی‌نژاد ما را رها نمی‌کند

سعید حجاریان



لیبرال‌شدن روسیه، بر طبق الگوی تجربی، مبارزه می‌کردند. ولی معضل پوپولیست‌ها این بود که چنین مشی‌ای با آرمان‌های سوسیالیستی‌شان دست‌کم در ظاهر تضاد داشت. اگر روسیه را نظامی لیبرالی و پارلمانی دربر می‌گرفت، آنگاه چشم‌انداز نیل به سوسیالیسم هم به آینده‌ای نامعلوم (مؤکول) می‌شد؛ زیرا بعید به نظر می‌رسید که سوسیالیسم بتواند از راه انتخاب و نمایندگی عمومی به قدرت برسد. منادیان ایدئولوژی سنتی پوپولیستی ناگزیر سیاست تبلیغات و آموزش انقلابی را ترجیح می‌دادند و در عین حال، هم با فکر وحدت با لیبرال‌ها (که در آن زمان شمارشان اندک بود) مخالفت می‌کردند و هم با فکر تسخیر قهرآمیز قدرت.» (۱:۳۶۷-۳۶۸)
دوگانگی پدیدآمده منتج به آن شد که این پوپولیست‌ها به دو گروه تقسیم شوند؛ گروهی با محور فعالیت تبلیغی و گروه با محور فعالیت تئورستی.

با وجود تعاریف و مصادیق در دو حوزه تاریخ و اندیشه به‌زعم برخی نمی‌توان تعریفی دقیق از پوپولیسم موعودگرا به دست داد. برای نمونه فدوتوف، فیلسوف و الهی‌دان اهل روسیه، پوپولیسم موعودگرا را این‌چنین تعریف کرده است: «همه چیز از خلق، همه چیز برای خلق». وی توضیح می‌دهد: «در روسیه «همه چیز برای خلق» به معنی قربانی‌کردن همه ارزش‌های فرهنگی در راه رفاه خلق است و «همه چیز از خلق» به این معناست که خلق خود را منشأ همه منابع تصور کنند، به‌خصوص ارزش‌های اخلاقی.» (۲:۲۷)
ولی همین نویسنده تعریف خود را تا حدودی کمره‌اکنده خوانده و آن را مشابه تعریف کلاسیک از مفهوم دموکراسی می‌داند.

باری، با غور در دیگر تعاریفی می‌توان این‌گونه گفت که در پوپولیسم موعودگرا مردم قدسی تلقی شده و در جایگاه خدایی می‌نشینند. اساسا بدر پوپولیسم در کشورهایی با فرهنگ دینی و در غیاب احزاب سیاسی جوانه می‌زند؛ به‌نحوی که شخصیتی کاربزماتیک در زمانه‌ای که شکاف‌های اجتماعی به‌حداکثر خود رسیده‌اند، در قامت منجی در میان مردم رهاشده و مایوس ظاهر شده و آنها را هدایت می‌کند. پوپولیسم موعودگرا با اصول و شعارهای ثابت، در لباس‌های گوناگون و در کشورهای مختلف ظهور کرده است.

چاوینسم در میان موج سوم پوپولیسم آمریکای لاتین یکی از نمونه‌های آشنا برای مردم ایران است. هخما جاوز با اتکا بر درآمد نفتی ونزوللا و با هدف جلب رضایت فقرا، سیاست بازتوزیع ثروت را تحت عنوان «اقتصاد اجتماعی» در پیش گرفت. «این سیاست‌ها شامل بازتوزیع ثروت، اصلاحات ارضی، دموکراتیک‌سازی محل کار و ایجاد تعاونی‌هایی بود که مالکانش، کارکنانش بودند و چاوز عنوان «ماموریت پولیواری» را برای آنها برگزیده بود... هزینه‌هایی که او پیوسته در امور اجتماعی می‌کرد موجب شد پولی برای آینده باقی نماند.» (۳:۳۴۶)
چاوز خود را نه‌تنها منجی ونزوللا و آمریکای لاتین بلکه نجات‌دهنده یک جغرافیا معرفی می‌کرد و بر اساس ثروت ملی و گرایشی که ذکر آن رفت، بر آن بود، غرب، کشورهای سرمایه‌داری و دشمن را تحت نفوذ خود در آورد. از این رو آمریکا را دشمن اصلی خود قلمداد می‌کرد. در دوران شورشی دشمن خارجی می‌دیدم و با ساختن دوگانه‌های «خدا و شیطان»، «حق و باطل» و... تنش‌های داخلی و بین‌المللی را افزون می‌کرد. در نمونه‌ای دیگر می‌توان به نمونه رومانی و به‌طور مشخص انتخابات سال ۲۰۰۴ این کشور اشاره کرد. در آن انتخابات یک از شعارهای رئیس‌جمهور منتخب و چه در شعارهای دیگر کاندیداها-گرایش به پوپولیسم موعودگرا مشاهده می‌شود. برای نمونه می‌توان به شعارهای کمپین انتخاباتی جیبی بکالی اشاره کرد که در آن از برگزیدگی مذهبی و رسالت الهی سخن گفته و اسب را دنبال اربه می‌بندند». در ادامه راه، تضادی اساسی میان این پوپولیست‌های روس به وجود آمد و در میان آنها این پرسش مطرح شد که باید بر مبارزه سیاسی تأکید بیشتری بکنانند یا بر تبلیغات سیاسی؛ لشک کولاکوفسکی در کتاب «جریان‌های اصلی در مارکسیسم»، این دوگانگی را این‌گونه شرح داده است: «شنی نخست (مبارزه سیاسی) عملاً به این معنی بود که آنها می‌بایست برای آزادی‌های قانونی و برای

واضح‌تر از این مکتوب نیست که از رشت رسیده و هر مسلمان صاحب غیرت را دچار حیرت می‌کند؛ سیدجلال وکیل معروف به شهرآشوب که چندی‌قبل در رشت به واسطه ارتکاب خلافی در حبس حکومت بود، زن و اطفاالش با قرآن به انجمن ملی رشت آمده و خلاصی او را خواستگار شدند. وکلای انجمن برای ترحم به اطفال صغیر او محبوس را از حکومت خواسته و پس از اثبات تقصیر به مجازات خودش رسانده مرخصش کردند. سید استعدا کرد حالا که انجمن ملی مرا از حبس رهایی داده، باید در تمام عمر در خدمت همین انجمن باشم. وکلا هم اجازه داده سید مدتی مشغول خدمات انجمن رشت بود تا اینکه در لشت‌نشای جناب امین‌الدوله، رعایا به واسطه فقر و فلاکت به شورش و هيجان مجبور شدند. از طهران تلگرامی برای سد جلو بی نظمی در انجمن رشت و جناب حاجی میرزا محمدرضا که طرف‌خاصه انجمن‌اند و قبولیت عامه دارند، در رفع غائله مأمور شدند و سیدجلال وکیل مزبور را نیز همراه بردند. پس از آنکه اندک سر و صورتی به کارهای آنجا دادند، حاجی میرزا محمدرضا به رشت مراجعت کردند و سیدجلال برای اینکه از امنیت آنجا کاملاً مطمئن شود، در لشت‌نشا ماند که بعد از چند روز مراجعت کند. همین که حاجی میرزا محمدرضا مراجعت کردند، سید شهرآشوب خوابی می‌بیند که امام علیه‌السلام فرموده‌اند تو نایب من هستی و در مدت هفت سال که هنوز از غیبت من باقی است، از جانب من رئیس و پیشوای امتی، قبول تو قول من، کرده تو کرده من است... کاغذ خبرلی مفصل است ولی خلاصه مطالب این است که سید در مدت چند روز دوازده هزار مرید و معتقد پیدا کرده و مالیات هفت‌ساله را به اهالی آنجا بخشیده و وعده داده است که عن‌قرب خود حضرت ظهور می‌کند و آن وقت دیگر هر چه فرمودند همان‌طور رفتار خواهید کرد. چندین دفعه از انجمن رشت کاغذهای سخت به شهرآشوب نوشته‌اند، در جواب گفته آن کاغذها

معنی ندارد و به اطمینان محققا دلگرم است و هر دفعه هم امر کرده است که پنج تومان به حامل رقعہ بدهند و حجب آنکه به محض فرمودن این یک کلمه صد نفر هر یک با پنج تومان حاضر می‌شوند که به حامل کاغذ بپردازند و بر یکدیگر در اطاعت امر آقا مسابقت بورزند». بنا به دیگر روایات، شهرآشوب در مدت حضور در منطقه لشت‌نشا بخشی از اراضی خاندان امین‌الدوله را نیز میان دهقانان و ساکنان منطقه تقسیم کرده است. از جنبش جنگل تا دوره پهلوی با نقش‌آفرینی افرادی چون خانم فخرالدوله ... و مالکیت ارضی مذکور دچار تحولات زیادی شد اما تا چندین دهه عوارض حاتم‌بخشی شهرآشوب پابرجا ماند تا آنجا که حتی ردیاب موضوع به دعایوی پس از انقلاب نیز کشیده شد. چنانکه می‌بینیم وقایع مورد بحث در مدتی محدود و در یک شهر کوچک رخ داد ولی آثار آن تا مدت‌ها گریبان دولت مرکزی را گرفت. حال با کمی تأمل می‌بایست این پرسش را مطرح کنیم که آثار فعالیت‌هفت‌ساله گذشته در احمدی‌نژاد، که نه‌تنها در یک کشور بلکه در سطح جهان صورت گرفت، چه زمان از میان خواهد رفت؟

رئیس دولت نهم، در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۴، از ساده‌زیستی، عدالت‌خواهی و احقاق حق مردم سخن گفت و به زعم آقای مصباح یزدی با «اصلاح خاصی که به وجود مقدس حضرت ولی عصر (عج) شد» نهانیا در قامت منجی مردم بی‌پناه به پاس‌تور ورود کرد. البته این گرایش و شیوه تبلیغی وی محدود به دوره تبلیغات انتخابات نبود؛ چنانکه فی‌المثل پس از انتخاب‌شدن اظهار داشت، نمی‌خواهد به کاخ ریاست‌جمهوری برود و! کاخ‌نشین شود! چند مدتی بعد اظهار داشت، الزامات امنیتی و باره‌ای از مسائل وی را به عهدشکنی واداشته است و وی سپس مانند نارودنیک‌ها، استراتژی «به میدان آمد گفت فلانی ما در حزب‌مان تصمیم گرفتیم در انتخابات از همین شعارها و جهت‌گیری‌های ملت ایران استفاده کنیم، بعد اسم برد، ما می‌خواهیم شعار عدالت، شعار به‌ظاهر دماشت، الزامات امنیتی حمایت می‌کنید؟ ما به ایشان گفتیم اینها حرف‌های خیلی خوبی است. اگر شما واقعاً دنبال اینها باشی، طبیعی است که ملت ایران حمایت می‌کند. نمی‌خواهم وارد جزئیات بشویم. بالاخره از این اتفاقات زیاد می‌افتد، جلسات زیاد است. می‌خواهم تراز ملت ایران را ببینید. نگاه جهان به ایران امروز و انقلاب اسلامی کجاست؟

احمدی‌نژاد در سیاست خارجی نیز شیوه‌های خاص خود را در پیش گرفت، چنان‌که یکی از نویسندگان می‌نویسد: «احمدی‌نژاد! کوشید بیش از آنکه سوزۀ اخبار باشد، به تولیدکننده خبر بدل شود.» (۵:۹۶۷)
عملکرد رئیس دولت نهم استثنا و بی‌قاعده بود. او بنا به تعبیری استراتژی «شطرنج در مقابل کاسپاروف» را به کار بست و در مناسبات جهانی خلاف قواعد بازی و پیش‌بینی‌ناپذیر عمل کرد؛ هولوکاست را افسانه نامید، از محو قریب‌الوقوع اسرائیل سخن گفت و حتی به تقابلی بزرگ در عرصه بین‌المللی نیز اشاره کرد؛ تقابلی که مقدمه ظهور حضرت قائم است.

احمدی‌نژاد در **صفحه ۱۵**

ادامه از صفحه اول

مسیر مصونیت از ضربات ارزی

درآمدهای مالیاتی باید صرف بودجه جاری شود و سهم نفت نیز باید در بخش‌های توسعه‌ای به کار گرفته شود تا نتیجه آن ملموس و مشخص باشد. رشد اقتصادی ایران هنوز بالغ نشده است، این رشد انجام می‌شود، اما در کشورهای پیشرفته اگر دو برابر ایران نیز سرمایه‌گذاری کنند، رشد اقتصادی زیادی حاکم نخواهد شد؛ به این دلیل که آنها در مراحل ابتدایی رشد اقتصادی قرار ندارند. دولت یازدهم دو برنامه اصلی داشت؛ حل پرورنده هسته‌ای ایران که نتیجه آن امضای برجام بود و حل مسائل و مشکلات اقتصادی کشور. تیم مذاکره‌کننده وزارت خارجه با کشورهای ۵+۱ سر میز مذاکره نشست و مشکلات پرورنده هسته‌ای ایران را تا جایی که امکان انتخاب وجود داشت، حل کرد. تیم اقتصادی دولت هم شرایط اقتصادی کشور را تا حد زیادی سروسامان داد. افزایش حجم صادرات در دو سال گذشته از نتایج بهبود این دو حوزه است. بعد از برجام و رفع تحریم‌های مرتبط با هسته‌ای، دولت توانست بازارهای بین‌المللی را شناسایی و با آنها ارتباط خوبی برقرار کند. نتیجه این بهبود رابطه تجاری، در حوزه صادرات و واردات تا حدی خود را نشان داد. صادرات در سه حوزه صادرات نفتی، صادرات غیرنفتی وابسته به نفت و صادرات غیرنفتی واقعی، دنبال می‌شود. آزاده دولت برای بازگشت حجم صادرات نفت، اقدام مناسبی بود. قبل از برجام ما حدود یک میلیون بشکه نفت صادر می‌کردیم و پول حاصل از این فروش هم به کشور برنمی‌گشت. اما بعد از برجام سهم فروش ما در بازار جهانی به بیش از دو میلیون بشکه رسید با این تفاوت که می‌توانیم این حجم از صادرات را در کشور بکارنیم. البته عده‌ای معتقدند که دولت در سال‌های گذشته با نگاه به درآمدهای نفتی از صادرات غیرنفتی غافل بوده و این موضوع باعث شده است اساساً ارتباط بین دو عامل، ارتباطی متوازن و متعادل نباشد. اما من این‌را قبول ندارم؛ برای اینکه حجم صادرات در همه حوزه‌ها بالا رفته است. ولی از آنجا که ایران کشور نفتی است، حتما حجم صادرات نفت بالاتر از صادرات غیرنفتی خواهد بود. افزایش حجم صادرات، نتیجه ثبات و امنیت سیاسی در کشور است. دولت همچنین توانست تورم ۴۰درصدی را به تکرّقی برساند و این واقعاً قابل تقدیر است. در دولت گذشته تورم ۴۰ درصد و نرخ رشد منفی بود. یعنی مردم ۴۰ درصد فقیرتر از امروز بودند؛ وضعیت اقتصادی در آستانه فروپاشی بود. در پنج سال گذشته نرخ رشد مثبت شده و دولت هم برنامه‌ریزی می‌کند تا امسال هم به نرخ رشد پنج تا هشت درصدی برسد. به‌کارگیری توانمندی‌های داخلی براساس امتیازها و مزیت‌های اقتصادی و تولیدی کشور، فضایی را فراهم می‌کند که متخصصان ایرانی در کنار ایجاد رابطه مناسب با تولیدکنندگان مطرح خارجی، فناوری‌های مورد نیاز را بومی کنند. همچنین مدیریت منابع آزادشده کشور پس از رفع تحریم‌ها می‌تواند به جای واردات کالاهای مصرفی آن را برای واردات مواد اولیه تولید با ارزش‌افزوده بالا اختصاص دهد و سرمایه‌گذاری اقتصادی داشته باشیم. در کنار اینها اگر بازاربایی دقیق برای محصولات باکیفیت کشورمان در بازارهای هدف است که این شیوه می‌تواند حاصل فعالیت عوامل قبلی را در اختیار مشتتران قرار دهد. می‌توان با تکیه بر موارد فوق، اقتصاد ایران را به اقتصادی کمترآسیب‌پذیر تبدیل کرد.

ادامه از صفحه ۴

مرتضوی به سرنوشت خاوری بنگرد

با تمسخر گفت به همین خیال باش تا انقلاب وجود دارد من هم سرباز انقلاب هستم. در پاسخ به او گفتم انقلاب علیه بی‌عدالتی و خودرایی برپا شد شما با عملکردت به انقلاب و نیروهای انقلابی لطمه می‌زنی. حال هم همین باور را دارم اگر این نوشته را مرتضوی می‌خواند از او تقاضا دارم بیش از این برای انقلاب به گفته خودش و به تعبیر من برای قوه قضائیه در‌دسر درست نکند؛ فردی که نزدیک به دو دهه قدرتمندترین عضو قضائنی دستگاه قضائی بود و همه می‌گفتند همه اعمال و اقدامات مرتضوی خلاف قانون است و به دستگاه قضائی آسیب می‌رساند و او باور و قبول نداشت. حال حداقل اجازه ندهد آخرین برگ دفتر قضائی زندگی او در همین دستگاه قضائی به حرمت افتاد و اعتبار سیستم قضائی کشور لطمه وارد آورد و با قضاوت بی‌قرار و پنهان‌شدن به اعتبار مجموعه‌ای که همه نام و آوازه‌اش از آن است خدشه وارد نیابد. زمانی که محمدرضا خاوری، رئیس بانک ملی ایران، فراری شد به اعتبار اینکه در دانشکده حقوق هم‌لاسی و هم‌دوره‌ای بودم. در مطلبی نوشته‌م به ایران برگرد و به قانون کشوری که در آن زندگی کردی و از نردبان ترقی بالا رفتی و نام و آوازه‌ات را از آن داری احترام بگذار. وقتی نباشی هر اتهامی را به تو وارد می‌کنند و مردم هم می‌پذیرند از طرفی پنهانی از این دست لطف و ملاحظتی ندارد گیرم که آب رفته به جوی بازآید با آبروی رفته چه باید کرد؟ اگر قاضی مرتضوی لحظه‌ای درنگ کند و با معرفی خود بذیری قانون و اعمال و ادراک آن باشد، همه این دو سال را پشت میله‌ها نخواهد بود، بلکه می‌تواند از کمک‌های قانونی مانند غفو، آزادی مشروط و مرخصی استفاده کند اما اگر به قانون اعتنا نکند سرنوشتی بهتر از محمدرضا خاوری نخواهد داشت و در هیچ گوشه‌ای از جهان زندگی آرامی نخواهد داشت.